

دانش بشری برای هدایت کافی نیست

خلاصه جلسه چهاردهم: فلسفه نبوت

حضرت آیت الله خامنه‌ای در روز میلاد با سعادت امام حسن مجتبی علیه السلام سومین بحث از سلسله سخنرانی‌های خود در ماه مبارک رمضان را پیرامون مسئله‌ی نبوت از فلسفه نبوت آغاز کردند. ایشان با بیان اینکه «نبوت یکی از اصول همه ادیان است؛... بلکه بالاتر از اصل؛ اصلاً دین بدون اعتقاد به نبوت معنایی ندارد. دین یعنی آن برنامه‌ای، آن مسلکی، آن مکتبی، آیینی که به وسیله‌ی پیام‌آوری از طرف خدای متعال رسیده؛ پس پیام‌آور و از سوی خدا آمدن، این جزو عناصر ذاتی دین است، اصلاً قوام دین به این است.» بیان می‌دارند که حواس ظاهری و غرایز نهانی و برتر از آن، دانش و معرفت بشر برای هدایت وی به سر منزل سعادت بسنده نیست و آدمی به هدایتی فراتر از هدایت خرد که راهبر خرد باشد؛ نیازمند است و این هدایت، وحی است. نبی به موجب این نیاز، مبعوث می‌گردد و برنامه‌ای را که برآورنده این نیاز است اجرا می‌کند.

جلسه ۱۴: فلسفه نبوت				آیات این جلسه
دانش بشری برای هدایت کافی نیست				واژگان کلیدی
عقل و دین	اصل نبوت	غریزه	وحی	آیه
نکات کلیدی				آیه
<p>آیه ۲۱۳ سوره مبارکه‌ی بقره</p>				<p>كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ التَّبِیِّیْنَ مُبَشِّرِیْنَ وَمُنذِرِیْنَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَكِّمَ بَیْنَ النَّاسِ فِی مَا اُخْتَلَفُوا فِیهِ وَمَا اُخْتَلَفَ فِیهِ إِلَّا الَّذِیْنَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَیِّنَاتُ بَعِیًّا بَیْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِیْنَ آمَنُوا لِمَا اُخْتَلَفُوا فِیهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ</p> <p>(بقره/۲۱۳)</p> <p>آدمیان همه یک امت بودند. (مایه‌ی برابر و نیاز مشابهی داشتند.) پس خداوند پیامبران را برانگیخت. مژده‌رسانان و بیم‌دهندگان. و با آنان کتاب را نیز برطبق جریان حق فرستاد. تا میان مردم درباره آنچه با یکدیگر در آن اختلاف ورزیده‌اند حکم و قضاوت کنند. و در آن (کتاب یا مسائل پاسخ داده شده) اختلاف نکردند مگر آنان که کتاب و دین</p>
<p>کَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً یعنی انسان‌ها و مردمان همه به یک حالت برابر و همسان بودند، از لحاظ نیازها و از لحاظ مایه‌ها. همیشه همین جور است. همه انسان‌ها عقل دارند، فکر دارند، هوش دارند، حس ششم دارند، حس ظاهر دارند، حواس باطنه دارند... اگر یک انسانی در یک تربیت بهتری تربیت شده باشد، مایه‌اش شکوفا شده باشد، مطلب دیگری است... مایه او را استخراج کردند، مایه این بیچاره مانده و استخراج نشده.</p> <p>در میان این انسان‌های برابر، خدای متعال پیامبران را برانگیخت، در این هم‌سطح‌ها یک انسان را پروردگار عالم، بالاتر، قوی‌تر، عمیق‌تر، پرشورتر و پرمایه‌تر برانگیخت. که چه بکند؟ («مُبَشِّرِیْنَ») مژده رسانان، («مُنذِرِیْنَ») و بیم‌دهندگان. پیامبران مژده بهشت می‌دهند، مژده سعادت دنیا می‌دهند، مژده‌ی مدینه فاضله می‌دهند، مژده استقرار امنیت و صلح و رفاه می‌دهند، مژده از بین رفتن فقر و نومیدی و ترس و ناامنی و جهالت می‌دهند، و بالاخره مژده‌ی تشکیل حکومت فاضل و مدینه صالح به انسان‌ها می‌دهند... و از آتش جهنم هم می‌ترسانند، از باریکی پل صراط هم می‌ترسانند، از بدبختی دنیا هم می‌ترسانند، از تسلط عفریت جهل و فقر هم می‌ترسانند، از سقوط در دژ و سراشیب فساد هم می‌ترسانند، از نابود شدن مایه‌های انسانی هم می‌ترسانند.</p>				

همه‌اش هم این نیست که بگویند مردم بترسید، مردم مژده باد شما را. چه داری همراهت؟! کتابی از سوی پروردگار؛ نازل فرمود با آنان کتابی به حق و برطبق حق... آنچه مطابق با فطرت عالم است، آنچه که با روند طبیعی عالم همراه است، آن حق است... کتاب پیغمبرها هم حق است، انسان را در راه طبیعی‌اش، در مسیر فطری‌اش، در بستر معمولی و روند تکاملی‌اش پیش می‌راند، جلو می‌برد، کمک می‌کند.

خدا به آنان داده شده بود. پس از آنکه دلیل‌ها و حجت‌های روشن در دسترس آنان قرار گرفته بود از روی تعدی و ستیزه‌گری فیما بین خودشان، پس خدا آن کسانی را که ایمان آوردند، به آنچه در مورد حق در آن اختلاف داشتند، به اذن و رخصت خود هدایت کرد و خدای هرکه را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

بالاخره اختلافات در میان انسان‌ها یک سنت است و بودنش لازم است... بودن اختلاف خوب است؛ برای خاطر اینکه اختلاف موجب تکامل است... حکومتی که انبیا بوجود می‌آورند، حکومت فرد نبی، حکومت شخص، حکومت استبداد نیست؛ بلکه حکومت قانون است حاکم در آن جامعه در معنا و در واقع، همان کتاب است؛ یعنی قانون.

درباره‌ی این کتاب اختلافی به وجود نیامد... آن کسانی که همین کتاب آسمانی برای آنها آمد، خود آنها درباره کتاب آسمانی اختلاف کردند. این به ما چه را نشان می‌دهد؟ نشان می‌دهد وجود تحریف را در ادیان آسمانی؛ در میان گفته‌های پیامبران.

اختلاف کردند یعنی چه؟ یعنی یک تیپ راست گفتند، یک تیپ خلاف واقع گفتند؛ پس بنا بر این هستند کسانی که پیروان یک دینی هستند و سخن دین را می‌زنند، اما خلاف واقع می‌گویند.

آن کسانی که مومند، گرویده‌ی به دین حقند، خدا آنها را هدایت کرد به پاسخ آنچه که در آن اختلاف کرده بودند، به اذن و رخصتش.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۰/۰۷/۱۳۵۳ در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد:

پیغمبرها با نیروی وحی‌ای که دارند، به جنگ عقل نمی‌روند. آنی که خیال می‌کند دین با عقل منافات دارد، یا دین را نمی‌شناسد یا عقل ندارد، و الا کسی که دارای عقل است، کسی که عقل را آزموده و تجربه کرده است و دین را هم می‌شناسد، خوب می‌داند که دین هیچ منافاتی با دانش بشر و با عقل بشر نمی‌تواند داشته باشد اصلاً؛ و ندارد ... دین صحیح وقتی در مقابل عقل کامل عرضه بشود، هیچ با همدیگر منافات و تعارضی ندارند.